

بسمه تعالی

اداره کل آموزش و پرورش فارس

معاونت پرورشی و فرهنگی

اداره مشاوره دوره های تحصیلی

گروه آموزشی مشاوره استان

تاثیر پذیری از گروه همسالان و هدایت تحصیلی شماره ۱



دانش آموز گرامی:

سوالات محتوایی:

۱- فشار همسالان در این داستان مثبت بود یا منفی؟ به نظر شما فشار مثبت همسالان چه فرقی با فشار منفی آنها دارد؟

۲- به نظر شما شخصیت نوجوان این داستان چرا پس از ورود به مقطع راهنمایی عوض شد؟

۳- به نظر شما ممکن بود شخصیت نوجوان داستان عوض شود و با دوستان سابق خودش دوباره نشست و برخاست کند؟

۴- به نظر شما آیا وضعیتی که در این داستان ترسیم شد رایج است؟

دوستان و گروه همسالان شما در بهترین حالت، می توانند پلی باشند بین شما، خانواده و نقش های اجتماعی بزرگسالی.....

- آیا تا به حال تحت تاثیر همسالان بوده اید؟
- اگر بوده اید تاثیر آنها مثبت بوده یا منفی؟
- برای رهایی شدن از فشار همسالان چه کار کرده اید؟

منابع:

- نوجوان و خانواده درمانی: ژوزف میکوچی ترجمه: فریده همتی
- دوان شناسی رشد، لورا برگ-ترجمه یحیی سید محمدی-انتشارات ارسباران
- آموزش مهارت های زندگی. آن ورنون ترجمه مهرداد فیروز بخت انتشارات دانه - ۱۳۸۳

جمع آوری تهیه و تنظیم: گیتا مصباحی، مصطفی مفتاح،

آنوشا مهیمنی، فرزین امینی، امید عابدی



تأثیر پذیری از گروه همسالان و هدایت تحصیلی

تأثیر پذیری از گروه همسالان:

رشد اجتماعی و اجتماعی شدن یکی از تغییرات برجسته در دوران نوجوانی است که سبب ایجاد تمایز بین کودک با یک نوجوان می شود و هویت اجتماعی نوجوان را تشکیل می دهد. اجتماعی شدن با ایجاد تغییرات آشکار در شیوه های ارتباطی با والدین و همسالان شروع می شود. نوجوان دوستانی را انتخاب می کند که از نظر علایق، ارزش ها، باورها و نگرش ها همانند او باشند و از نظر رفتار و نگرش به مدرسه و پیشرفت تحصیلی با وی همانند باشد.

نقش و اهمیت گروه های همسالان در وضعیت روحی و روانی نوجوانان و جوانان بر هیچ کس پوشیده نیست. دوستی در گروه همسالان و نقش و تاثیر آن بر وضعیت تحصیلی عاملی است که به لحاظ وضعیت روحی و روانی نقش تاثیر گذاری بر نوجوانان دارد.

دوستان و همسالان بر تصمیم گیری نوجوان تاثیر می گذارند. به طور کلی دوره ی نوجوانی دوره ی آزمایش و خطاست.



دوره ای که نوجوان تصمیمات را در زمینه های مختلف تغییر می دهند.

بررسی های علمی نشان می دهد که در دوره ی نوجوانی، اثر پذیری نوجوانان از همسالان از هر کس دیگری از قبیل خانواده و معلم بیشتر است.

گروه همسالان از سنین کودکی تا بزرگسالی بر رفتار افراد اثر می گذارند. بسیاری از اندیشه ها، خواسته ها و رفتارهای ما تحت تاثیر همسالان قرار دارد. برخی از تصمیم های ما در گفتگو با دیگر هم سن و سال های ما شکل می گیرد. ما باید از این رابطه و تاثیر که می پذیریم ارزیابی درستی داشته باشیم. نوجوانان در بسیاری موارد تابع تصمیمات همسالان خود می شوند و رشته ای را انتخاب می کنند که گروه همسالان ایشان توصیه می کنند در طول تحصیل نیز ممکن است دوستان و همسالان به میزان تلاش و یا عدم تلاش نوجوان را تحت تاثیر قرار دهند.

علی رغم اینکه گاهی گروه همسالان، برای والدین ناکامی ایجاد می کنند، اما در کارکرد های رشدی مهم تاثیر دارند اول اینکه، گروه هم سال برای نوجوان زمینه ای فراهم می کند تا

مهارت هایی را یاد بگیرد که مبنای دوستی ها و روابط عمیق و صمیمانه ی بزرگسالی است. دوم اینکه، گروه همسال برای احساس در حال شکل گیری هویت نوجوان نقطه ی مرجع موقتی فراهم می کند نوجوان از طریق همانند سازی با همتایان ، فرآیند خود شناسی را آغاز می کنند. این که چه کسی هستند و چه تفاوتی با والدین خود دارند.

فعالیت:

داستان زیر را مطالعه نموده و به سوالات

محتوایی با دقت و حوصله پاسخ دهید:

در دبستان عضو یک گروه بزرگ بودم. پدر و مادرم، دوستانم را قبول داشتند و همگی خانواده های خوبی داشتند از عضویت در این دسته لذت می بردم و درسها را می فهمیدم. اما وقتی وارد دوره متوسطه اول شدم، همه چیز عوض شد. بچه ها از مدارس ابتدایی مختلفی آمده بودند و دوستانم عوض شدند. واقعا نمی دانستم چه اتفاقی افتاده ولی داشتم عوض می شدم. بعضی از دوستان جدیدم با دبستان فرق داشتند. یکی از آنها در زمینه ی موسیقی بسیار توانمند و مسلط بود و از طرف خانواده حمایت می شد. یکی دیگر از بچه ها در ورزش تکواندو کمر بند قهوه ای داشت و خیلی علاقه مند به ورزش های رزمی بود من هم در کلاس خیلی پویا بودم. یک روز چند نفر از دوستان جدیدم مرا مسخره کردند و گفتند که تو بچه درسخوان هستی و حرف هایی شبیه این..... به همین دلیل از آن به بعد کمتر حرف زدم. نمرات خوبی را که می گرفتم از همکلاسی ها پنهان می کردم. تا اینکه زمان دریافت کارنامه ها- بعضی نمراتم افت کردند پدر و مادرم دیگر خوشحال و راضی نبودند.

من فشار زیادی را احساس می کردم به همین خاطر دچار عصبانیت و خشم در موقعیت های مختلف می شدم و دیگر ارتباطات موثری با اطرافیانم نداشتم.